

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده بروس ریچاردسن

برگرداننده از پشتو: احمدشاه وردگ

۰۸ سپتمبر ۲۰۱۱

میان برنامه های تاریخی

سپتامبر ۲۰۱۱

دردنیای معاصر سیاسی این واقعیت امکان پذیر شده است که زعامت سیاسی قادراست کم از کم تا یک زمان اندازه بحران را تا نقطه ای بلند ببرد که اعضای جامعه از روی مجبورت به طور اوتوماتیک به پذیرش آن گردن بنهند. آرتر الف کوچک: ایلکریچ.

پالیسی جنگهای وکالتی و جنگجویان وکالتی

جنگ های وکالتی جنگ هائی را گویند که گروه های متخاصم بدون درگیری مستقیم به جای جنگجویان خویش از گروه های سومی کار می گیرند. درجنگ های وکالتی قدرت های بزرگ اکثرا از دولت ها به حیث وکلای جنگی خویش کار می گیرند. مگر در بسیار از موارد بازیگران غیردولتی تشنه به خون، کاسه لیسان قاتل وسایرگروه های ثالث مورد استفاده قرار می گیرند.

در زمان جنگ سرد بود که جنگ های وکالتی ترویج گردیدند، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده امریکا دو ابر قدرت مسلح به سلاح های اتومی نمی خواستند که مستقیما باهم درگیر شوند زیرا در درگیری مستقیم آنها خوف به وقوع پیوستن فاجعه اتومی نهفته بود. جنگجویان وکالتی در افغانستان، انگولا، کوریا، ویتنام، شرق میانه و امریکای لاتین موجود بودند و هستند.

افغانستان: یکبار دیگر در چنگال جنگهای وکالتی استثمار می شود که در بین آن مردم ملکی افغان وبالخصوص پشتون های جنوب و شرق کشور عینا به مانند طالبان گیر مانده اند. لازم به تذکر نیست که بگویم همه پشتون ها طالب هستند، در بین جنگجویان طالب و مردم ملکی تفاوت های زیادی وجود دارند که مستلزم توجه جدی می باشد. این ستراتیژی امریکا است که از بین ائتلاف شمال گروه های اقلیتی را شامل تشکیلات خویش ساخته و بارگرنگ جنگ را

بردوش آنها قرارداد است تا در جنوب علیه برادران و خواهران خویش جنگ راه پیش ببرند. آیا جای تعجب است که بگویم ضربات کوبنده قومی تاحدی پیش رفته که کشور را در ورطه پارچه شدن قرار داده است؟

لیبیا: به تاریخ چهارم سپتامبر سال جاری گلوبال ریسرچ و نیشن گزارش دادند که ۱۵۰۰ تن سرباز از یک هزاره تربیه شده توسط سی آی ای به لیبیا فرستاده شدند تا زیر فرمان قوماندان عبدالحکیم بلحاج دوشادوش شورشیان لیبیائی علیه دولت آن کشور بجنگند. درست زمانی که لیبیا گامی به سوی پالیسی ملی سازی صنعت نفتی گذاشت و حق ایجاد لشکرگاهای امریکا را تقبیح نمود، به اساس ضرب المثل قدیمی لیبیائی ها این کشور زیر دوربین ماشین جنگی امریکا قرار گرفت و تاپه ویرانی های آشکار بر جبین آن حک گردید.

سی آی ای از میان اعضای ائتلاف شمال تعداد زیادی از اقلیت های ازبک ها و هزاره ها را استخدام و تحت تربیه قرار داده است. این پرورش شدگان ازبک و هزاره قبلا در جنگ امریکا علیه طالبان به حیث جنگجویان و کالتی شامل شدند. افغانها هیچ وقت فراموش نخواهند کرد که این جنگجویان و کالتی یک وقتی جنگجویان و کالتی اتحادشوروی نیز بودند.

مقاومت امروز افغان: هر شاگرد تاریخ افغانها باید بپذیرد که افغانستان از زمانه های قدیم لقب گورستان قدرت های بزرگ راکمائی کرده است. از زمانه های قدیم مقاومت در مقابل هر نیروی بیرونی، نام سمبولیک مقاومت ملی را به خود اختصاص داده است. اینجا به جنگ اشغالگرانه تحت رهبری امریکا به حیث سرمایه استثمار به خاطر مکیدن منافع ستراتیژیک-جغرافیائی دیگر کشورها نگاه می شود.

طالبها کیها اند؟ تا امروز نفرت علیه اشغال همان نفرت قدیمی یک جانبه و یک بعدی می باشد. بسیاری از افغانها می بینند و می فهمند که جنگ علیه ایشان یک جنگ غیر عادلانه بوده و متیقن هستند که افغانها در واقعه یازدهم سپتمبر هیچ دخالتی نداشته اند. علاوه بر آن عدم توجه ناتو به رفاه و آسایش مردم ملکی نه تنها که علنی نیست بلکه خلاف تمام قوانین بین المللی و احکام کنوانسیون های جهانی می باشند. به همین ملحوظ اشخاصی به صفوف طالبها می پیوندند که اعضای فامیلشان در بیماردهای هوائی ناتو کشته شده اند و یا در "چاپ اندازی" های شبانه ناتو عزیزان فامیل خویش را از دست داده اند. تلفات ملکی و عدم توجه به رفاه و آسایش مردم ملکی یگانه انگیزه قوی تقویت صفوف طالبها گردیده است.

رهنمائی های بیرونی و مشاجره های قومی: در عقب تمام جنگ های و کالتی تقسیمات عمیق قومی قرار دارند که در نتیجه پیاده سازی ستراتیژی های ادارات استخباراتی خارجی عرض اندام نموده اند، زیرا که ادارات استخباراتی بیرونی به خاطر پیاده نمودن ستراتیژی های خویش تلاش می ورزند تا هر نوع مقاومت را عیار (ایل) نموده، تضعیف نماید و یا موانعی در راه مقاومت ایجاد نماید و یا آنرا به دسته ها و گروهها تقسیم نماید. شوروی ها از روی ضرورت های مبرم خویش در سالهای جنگ افغانستان به همچو ستراتیژی... در سایه سیاست های قوم پرستی افغان تکامل داده است. شوروی ها عینا به مانند روسیه تزاری قرن نوزده ستراتیژی آزموده شده (تفرقه بینداز و حکومت کن!) را عملکرد خویش قرارداد و از آن به حیث ستراتیژی استخدام اقلیت ها کار گرفته است. همین ستراتیژی توسط استثمار بریتانیا در قرن نوزدهم عملی گردید و در قرن بیستم اتحادشوروی سوسیالیستی از آن در تهاجمات خویش استفاده نموده است. امریکا بعد از شوروی ها به طور کورکورانه بدون گرفتن درسی از تاریخ، همین راه را انتخاب نمود و از صفوف ائتلاف شمال ملیشه های و کالتی را استخدام نمود، ائتلاف شمال همان گروهی است که قبل از تهاجم امریکا، ملیشه های و کالتی شوروی ها بود و امروز در خدمت منافع استعماری امریکا قرارداد.

ستراتژی ائتلاف شمال: ائتلاف شمال در بین صفوف نیروهای اشغالگر ناتو در جنگ علیه طالب، رول کمک کننده (حمایتی با ارائه معلومات جعلی استخباراتی به حیث معلومات درست و موثق، در اختیار نیروی امریکا قرار می دهند، و آنها را تشویق می نمایند تا امریکا با داشتن نیروی عصری نظامی دشمنان سنتی خویش.... اکثریت پشتون هارا به این منظور سرکوب نمایند تا رشته تمام منابع قدرت را در دستان خویش قرار بدهند.)

مداخلات بیرونی تصادم قومی را تشدید می بخشد: بعد از خروج لشکر چهل شورو، جدائی طلبی های قومی به طور روشن واضح ساخت که این یک تکنیک تمویل شده از بیرون بود، این تکنیک تمام تلاش های ارزشمندی را که به خاطر یک دیالوگ بین الافغانی برای آشتی ملی به راه افتاده بود و می خواست بالای آتش دشمنی های تحریک شده قومی آب سرد بریزد، خنثی نمود. همین حالا امریکا در تلاش ایجاد لشکرگاه های نظامی در افغانستان است تا از یک طرف توانسته باشد کمربندی را به دور ایران ایجاد نماید و هم در همسایگی چین اقامت گزین شود و از طرفی هم بتواند چشم اندازی به مراکز اتمی پاکستان داشته باشد. این ستراتیژی درازمدت شکل توافقات "معاهدات لشکرهای کرایه شده" رابه خود گرفته و امریکا برای عملی ساختن آن از گروه اقلیتی ائتلاف شمال علیه مقاومت پشتون ها که مخالف اشغال دایمی خارجی ها هستند، ملیشایی وکالتی استخدام کرده است. ستراتیژی امریکا تحت نام جنگ علیه تروریسم دلایل روشن امنیتی و تجارتي خود را دارد: ایجاد کمربند امنیتی به دور ایران، استثمار منابع هایدروکربنی، انرژی سنگ های فوسیلی "تیل، نفت و ذغال سنگ" آسیای میانه و حوزه کسپین می باشد، گفته می شود که این هابزرگترین منابع انرژی دنیا بوده، بزرگی آن به قدری است که ذخایر افسانه ئی شرق میانه را تحت سایه خویش قرار داده است.

مصارفات حقیقی جنگ های وکالتی: در بین فعالان و انجمن های حقوق بشر موضوع مسؤولیت گرفتن جنایات جنگی توسط ملیشاهای وکالتی تحت پوشش مالی هسته های بیرونی به میدان بحثهای داغ مبدل گردیده است. در زمانی که جنایت جنگی توسط ملیشه های برخوردار از حمایت بیرونی صورت می گیرد، مسؤولیت آن به دوش چه کسانی می باشد؟

مسؤولیت جنایات جنگی: به طور مثال، امریکا مسؤولیت جنایات جنگی را به عهده دارد که به رهنمائی عبدالرشید دوستم انجام شده است، در روز و شب های حمله امریکا به افغانستان چندین هزار اسیر طالب توسط دوستم که در خدمت امریکا قرار داشت در دشت لیلی قصابی گردیده اند.

آیا این مسؤولیت به دوش امریکا نمی افتد که به خاطر سرکوب نمودن "مقاومت ملی" از تفرقه قومی گار گرفته است، که در نتیجه همین ستراتیژی، تصادمات قومی از بدتر شده و تلفات بشری آن نقطه پایانی ندارد؟ تازمانی که ابر قدرت ها مسؤولیت های جنایات جنگی خویش را به دوش کشورهای کوچکی چون لیبیا، عراق، سومالیا می اندازد، جوامع فعالان حقوق بشر تمایلی ندارند که علیه امریکا اقامه دعوی نمایند، زیرا که امریکا سهامدار قسمت بزرگی از پرداخت مصارفات دهها هزار جوامعی می باشد که تخطی های حقوق بشر را نظارت می نمایند. با وجودی که بین کشورهای متعدد دنیا به شمول امریکا، توافقات و کنوانسیون های زیادی در مورد حفاظت از حقوق بشر به امضاء رسیده اند، ولی در جنگ هایی که توسط امریکا به راه انداخته شده اند ما شاهد شکستادن بیشمار احکام و قوانین وضع شده محلی و قوانین بین المللی می باشیم که سلسله این تخطی ها تاکنون شکل اجراءات قانونی را به خود نگرفته است.

نتیجه: تازمانی که در افغانستان بین پشتون ها و اقلیت های قومی تلاش های آشتی ناکام باشد، صلح به این کشور بازمی گردد. ایالات متحده امریکا به جای یک ارباب استعماری باید به حیث یک هماهنگ کننده از جدائی طلبی

قومی دست بردارد و برای منافع خویش منازعات و مشاجرات قومی را دیگر فربه نسازد. ملت افغان یک ملت دهشت افکن (تروریست) نیست. افغانستان در حادثه یازدهم سپتمبر هیچ رولی را بازی نکرده است. افغانستان به هیچ ملت و هیچ کشور دنیا هیچ نوع تهدیدی متوجه نساخته و افغانستان در معرفه اصطلاحات بدیع المعانی منافع شخصی سناتور امریکائی پیتز کینگ و رئیس جمهور اوپاما نباید پیچانده شود که افغانستان را "لانه تروریسم جهانی" خوانده است.

امریکا اگر به راستی در راه امنیت جهانی و ختم جنگ در افغانستان تلاش می ورزد؟ همین حالا وقت آن فرارسیده که به افغانستان در قطار سایر ملل دنیا با داشتن حقوق مساوی به چشم یک شریک نگاه شود... و دست از روش تقلیدی و وقوع حوادث غیر انسانی استعمار بریتانیا و مافوق اربابان شوری بردارد.

خاتمه

بروس ریچارد سن

بیادداشت:

در این که آقای "بروس ریچارد سن" دوست افغانهاست و یا دشمن آنها، سرانجام تاریخ قضاوت خود را در آن باره صادر خواهد نمود، مگر به ارتباط مطلب حاضر ضمن تقدیر از زحمات همکار گرامی ما آقای "وردک" باید بیفزائیم:

تجربه تاریخی نشان داده است که استعمار در همه جا کوشیده تا نه تنها از تضاد و اختلافات اقوام و ملیت های مختلف به خاطر استقرار حاکمیت شوم خود حد اکثر استفاده را نماید و متناسب با ضرورت از بین یکی از اقوام علیه قوم دیگر ملیشیا و مزدور استخدام نماید، بلکه در هنگام ضرورت از همان مزدور ها برای سرکوب قوم و ملیت خودش نیز به مثابه ابزار استفاده نموده جنیش ها را به خاک و خون کشانیده است.

به همین اساس پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" افتخار دارد بنویسد که در پیشاپیش تمام رسانه های الکترونی چه بسا در برخی موارد یگانه نهادیست، که هویت فعلی افراد را به حساب خاستگاه قومی، ملی، زبانی و منطقه ئی آنها نسنجیده بلکه با صراحت اعلام می دارد که برای تثبیت هویت افراد و گروه، موضعگیری فعلی شان که در خدمت کدام قوم، ملیت، زبان و کشور ایستاده اند، مدار اعتبار می باشد.

با حرکت از همین منظر است که برای ما مزدور و وطن فروش پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک و ... وجود ندارد، وطنفروش، وطنفروش است و در صورتی که شرایط و خواست بادران آنها ایجاب نماید آنها نه تنها قوم و ملیت خود را نیز خواهند فروخت، بلکه از این که ناموس خویش را نیز بفروشند، دریغ نخواهند ورزید.

اداره پورتال AA-AA